

مقایسه تطبیقی ایده بی طرفی حکومت در لیبرالیسم و اسلام (با تمرکز بر آموزه‌های مهدویت و با رهیافت قرآنی و روایی)

علی ملکی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۱۲

چکیده

اندیشه مهدویت دارای ابعاد مختلف فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است. تبیین اهداف حکومت مهدوی در برابر ایده بی طرفی حکومت در لیبرالیسم، یکی از مسائل سیاسی مهم، برای ترسیم مدینه فاضله اسلامی است. این پژوهش درصدد است تا با روش توصیفی تحلیلی و رویکرد تحلیل متون قرآنی و روایی با تبیین نظری به این مسئله پاسخ دهد که: اهداف حکومت مهدوی چیست و چگونه با وظایف حکومت در لیبرالیسم در چارچوب ایده بی طرفی مقایسه می‌شود؟ مهم‌ترین یافته پژوهش حاضر عبارتست از: بررسی و تبیین نظری اهداف و کارویژه‌های حکومت مهدوی از طریق تحلیل متون قرآنی و روایی و در راستای اهداف حکومت در علوم سیاسی. براساس نصوص مهدویت، مهم‌ترین هدف حکومت مهدوی، عبودیت الهی است و در راستای آن، سایر منابع اهداف حکومت نیز قابل تبیین است. حکومت مهدوی دارای دو دسته اهداف مادی (دنیاوی) و معنوی است و در تبیین و تفسیر اهداف مادی و دنیاوی با حکومت در لیبرالیسم تفاوت دارد. تلاش در توسعه اقتصادی امری اصیل و در راستای عبودیت می‌باشد. این پژوهش می‌تواند علاوه بر فواید نظری تشریح کارویژه‌های مدینه فاضله مهدوی، برای حکومت‌های اسلامی در برنامه‌های نوسازی در عصر غیبت، راهگشا باشد.

واژگان کلیدی:

اسلام، لیبرالیسم، بی طرفی، حکومت مهدوی، اهداف حکومت.

۱. استادیار دانشگاه دولتی تفرش (Ali_malaki70@yahoo.com).

مقدمه

حکومت‌ها در طول تاریخ دارای اهداف و کارویژه‌های مختلف بوده‌اند، برخی نسبت به خیر و کمال، سیاست بی‌طرفی را پذیرفته و برخی وظیفه حکومت را رساندن شهروندان به کمال می‌دانند که با ارزش‌ها و باورها پیوند می‌یابد. موضوع اهداف حکومت، از مباحث علم سیاست است و دیدگاه اندیشمندان سیاسی در این زمینه متفاوت است. اهداف حکومت مهدوی به عنوان الگو و مدینه فاضله اسلامی چیست؟ هدف این مقاله آن است که با روش توصیفی تحلیلی و با توجه به دیدگاه‌های لیبرالیسم، در این زمینه، اهداف حکومت مهدوی را به عنوان مدینه فاضله اسلامی با استفاده از آموزه‌های قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام تحلیل و بررسی نماید. تبیین نظری این مسئله، می‌تواند برای محققین حوزه مهدویت مفید باشد و از حیث کاربردی، حکومت‌های اسلامی را در برنامه‌ریزی‌های توسعه در عصر غیبت راهنمایی کند.

امروزه حکومت‌های مدرن در راستای ایدئولوژی لیبرالیسم، دارای اهداف مشترکی مانند امنیت، عدالت، رفاه و آزادی هستند و هر حکومتی که بتواند به این اهداف دسترسی یابد، مشروعیت کارکردی بیشتری می‌یابد. اهداف حکومت، نوعاً توجه به سامان زندگی دنیوی می‌باشد و دولت در مسائل ارزشی و فرهنگی، سیاست بی‌طرفی^۱ را دنبال می‌کند. در آموزه‌های مهدویت براساس قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام، هدف اصلی حکومت مهدوی، دعوت به توحید و عبودیت الهی و در راستای آن، پیشرفت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است.

پیشینه و ادبیات موضوع

درباره اهداف حکومت مهدوی به صورت پراکنده، مباحثی در آثار مختلف وجود دارد؛ ولی به صورت منسجم و متمرکز و مخصوصاً با توجه به با اهداف حکومت‌ها در علوم سیاسی و در مقایسه با لیبرالیسم، متنی نوشته نشده است و نوآوری این مقاله در همین جهت است.

چارچوب نظری و مفهومی

۱. مهدویت

مهدویت، منتهی شدن سیر جوامع جهان به سوی جامعه واحد و سعادت عمومی، امنیت و رفاه، تعاون و همکاری، همبستگی همگانی، حکومت حق و عدل جهانی، نجات مستضعفان و

1. neutrality

نابودی مستکبران، و خلافت مؤمنان و شایستگان به رهبری حضرت مهدی علیه السلام است که موعود انبیاء و ادیان و دوازدهمین اوصیاء و خلفای پیغمبر آخرالزمان است (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۵: ۱۹)

این‌که دیروز جهان به فردای آن پیوند خواهد خورد، از امور مسلم اندیشه مهدویت است (انبیاء: ۱۰۵) بر طبق وعده ادیان الهی آینده جهان با ظهور منجی موعود، قرین سعادت و کمال انسان خواهد بود و زندگی بشر در آینده به عالی‌ترین و کامل‌ترین زندگی‌ها منتهی می‌شود (مهدوی زادگان، ۱۳۹۴: ۹). از مجموع آیات و روایات استنباط می‌شود که قیام مهدی موعود علیه السلام، آخرین حلقه از مجموع حلقات مبارزات حق و باطل است که از آغاز جهان برپا بوده است. مهدی موعود علیه السلام تحقق بخش ایده آل همه انبیا و اولیا و مردان مبارز راه حق است (مطهری، ۱۳۹۲، ج ۲۴: ۴۳۷-۴۳۸) و این‌که ادیان پیش‌بینی می‌کنند که عدل کامل، صلح کامل، رفاه کامل، سلامت کامل و امنیت کامل برقرار خواهد شد، آسمان تمام برکات خود را در اختیار انسان قرار می‌دهد و همه اینها خود، تکامل تاریخ است (مطهری، ج ۱۵: ۱۷۸).

۲. لیبرالیسم

واژه لیبرالیسم^۱ به عنوان آموزه از واژه liberteه لاتین مشتق شده است. کاربرد Freedom در این‌جا بیشتر در حوزه فلسفی و مرادف با اختیار می‌باشد. لیبرال به معنای آزادی خواه و لیبرالیسم یا آزادی خواهی مجموعه روش‌ها، سیاست‌ها و ایدئولوژی‌هایی که هدف‌شان فراهم آوردن آزادی هر چه بیشتر برای فرد است (آشوری، ۱۳۸۷: ۲۸۰).

لیبرالیسم در اروپا ابتدا جنبشی ضد استبدادی برای تضمین آزادی‌های فردی و حکومت قانون بود. اما کم‌کم به آموزه‌ای جامع در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی تبدیل شد. دیدگاه‌های اندیشمندانی مانند جان لاک در قرن ۱۷ پیرامون دولت و حقوق طبیعی پایه‌گذار لیبرالیسم جدید شد (پازارگاد، ۱۳۳۶: ۸۴۹ به بعد). لیبرالیسم به عنوان یک مکتب فکری دارای شاخص‌های ثابت و مورد اتفاق همگانی نیست و در طول تاریخ دچار تحولات و دگرگونی‌هایی بوده است (بشیریه، ۱۳۷۶: ۳۰-۱۱). اما یک سری عناصر مشترک در همه وجود دارد مانند فردگرایی، مالکیت خصوصی، اقتصاد بازار آزاد، آزادی‌های مدنی و سیاسی. در بین لیبرال‌های امروزی افرادی مانند جرمی والدرون به دنبال فراهم آوردن مفهومی غیردینی و

1 . liberalism

غیرکانتی از کرامت و شأن بشر هستند. آنان بر این اعتقادند که ارزش‌های اخلاقی واقعیت عقلانی ندارند و تابع آراء مردم هستند.

۳. ایده بی‌طرفی

ایده بی‌طرفی دارای این مفهوم است که حکومت‌ها موظفند برای شهروندان خود امنیت، رفاه، عدالت و آزادی فراهم کند اما نسبت به زندگی مطلوب (معنویت، برداشت از خیر، رساندن افراد به کمال و چیزهایی که به زندگی آنها معنا می‌بخشد) برای شهروندان وظیفه‌ای ندارند. این اندیشه از سوی اندیشمندانی مانند کانت (کانت، ۱۳۸۳: ۷۶)، لاک (لاک، ۱۳۷۷: ۵۶)، دورکین (دورکین، ۱۳۷۴: ۱۰۷)، رالز (Rawls, 1996: 190)، والدرون (Waldron, 1993: 143) و دیگران بیان و تأکید شده است.

تبار رویکرد بی‌طرفی را باید در آثار جان استوارت میل، ایمانوئل کانت و جان لاک جست‌وجو کرد. از نگاه جان لاک قلمرو قدرت حکومت، نباید به امور مربوط به رستگاری ارواح انسان‌ها تعمیم داده شود. مراقبت از ارواح انسان‌ها به هیچ حاکم مدنی واگذار نشده است. آموزه بی‌طرفی را لیبرال‌ها همواره درباره نگرش صحیح حکومت‌ها نسبت به ایمان و باور شخصی شهروندان شان داشته‌اند (Waldron, 1993: 143). حکومت، حق یا تکلیفی نسبت به موضوعات اخلاقی و دینی یا خواست عمومی در این باره ندارد. تکلیف حکومت محدود به تضمین شرایط آزادی اخلاقی و دینی برابر است. ایده بی‌طرفی با شدت و ضعف در بین عموم اندیشمندان لیبرال جدید (از دهه ۱۹۷۰ به بعد) وجود دارد.

۴. حکومت^۱ و دولت^۲

حکومت از ریشه عربی حکم گرفته شده به معنی قضاوت کردن، دستور دادن و داوری کردن می‌باشد. در فرهنگ سیاسی صدر اسلام کلماتی همچون امارت، دولت، ولایت، ملک و سلطنت به جای حکومت استفاده می‌شد (بقره: ۱۰۲ و ۲۵۸) و در اصطلاح علم سیاست، حکومت، همان سازمان دولت است و کارگزاری است که بدان وسیله اراده دولت متبلور می‌شود. حکومت مفهومی محدودتر از دولت دارد و شامل قوای سه‌گانه، ارگان‌ها و نهادها می‌شود. دولت هدف‌های خود را از طریق حکومت، تدوین، بیان و اجرا می‌کند. ماهیت حکومت همه جا یکسان و مبتنی بر اطاعت است (عالم، ۱۳۸۷: ۱۲۳ و ۲۶۷).

1 . Government
2 . state

دولت در زبان فارسی به معانی مختلفی به کار رفته است؛ مانند سلطنت، اقتدار، حکومت، قدرت، قوه مجریه، نظام اداری کشور، نظام سیاسی و... (پهلوان، ۱۳۷۹: ۲۲۱). مفهوم دولت، از قرن شانزدهم میلادی به بعد رواج یافت. در یونان باستان به جای آن واژه *pilis* را به کار می بردند. نخستین بار آن را نیکولو ماکیاولی (۱۵۲۷-۱۴۶۹ م) به کار برد. دولت دارای عناصر چهارگانه جمعیت، سرزمین، حکومت و حاکمیت است (عالم، ۱۳۸۷: ۱۳۷) و در اصطلاح مجموعه‌ای از افراد و نهادهاست که قوانین فائقه در یک کشور را وضع و با پشتوانه قدرت برتری که دارد، اجرا می کند (رنی، ۱۳۷۴: ۱۳).

در بحث مربوط به این مقاله، هم می توان از کارویژه‌های دولت مهدوی و هم حکومت مهدوی بحث کرد ولی دولت، مفهوم عام تری دارد و در خصوص موضوع این پژوهش تأثیر چندانی ندارد و بی طرفی دولت و حکومت چندان تفاوت ندارد ولی این نوشتار درباره اهداف حکومت بحث می کند.

۵. حکومت مهدوی

در اسلام رسالت پیامبر جهانی بوده ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾ (انبیاء: ۹۲) که تحقق احکام اسلام در دوران حکومت مهدوی است. در آموزه‌های مهدویت، اسلام دارای ایدئولوژی انسانی صرف نظر از نژاد، زبان، جغرافیا و رنگ پوست است. «یملأ به الارض عدلاً و قسطاً کما ملئت ظلماً و جوراً»: «خداوند به وسیله او زمین را پر از عدل و داد می کند همان گونه که از ظلم و جور پر شده است» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۱، ۸۲). در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

گویا من یاران قائم را می بینم که بر شرق و غرب جهان احاطه یافته اند و همه چیز تحت فرمان آنان است (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۲، ۳۲۷).

براساس آموزه‌های مهدویت، حکومت مهدوی شرق و غرب عالم را فرا می گیرد و ندای توحید در کل جهان طنین انداز می شود. امام مهدی علیه السلام با ایجاد حکومت واحد جهانی و حاکمیت یگانه الهی، زبان‌ها، نژادها و اقوام گوناگون را تحت مدیریت واحد قرار می دهد (مطهری، ۱۳۹۲، ج ۴: ۴۳۷-۴۳۸). پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

اگر از عمر این جهان، یک روز بیشتر باقی نمانده باشد، خدا آن روز را آن قدر طولانی می کند که فرزند مهدی ظهور کند و زمین را به نور خود روشن سازد و حکومت او شرق و غرب جهان را فرا گیرد (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۸۰).

۶. بی‌طرفی حکومت در لیبرالیسم

اندیشمندان سیاسی درباره اهداف حکومت، دیدگاه‌های مختلفی دارند. هر دانشمندی که به خیر عمومی بیندیشد، به نقش دولت در توجه به فرهنگ عمومی توجه می‌کند. در یونان باستان وظیفه حکومت تأمین سعادت افراد جامعه و نیل آنها به فضائل اخلاقی بود، افلاطون و ارسطو، وظیفه دولت را اصلاح عیوب اخلاقی شهروندان و تلقین فضائل اخلاقی می‌دانستند (عالم ۱۳۷۴: ۲۳۹).

اندیشمندان لیبرال، اهداف حکومت را در امور مادی و دنیایی دانسته و توجه به خیر عمومی را به حوزه خصوصی افراد سوق می‌دهند. جان لاک، خیر عمومی و آدام اسمیت سه هدف جلوگیری از تجاوز خارجی، حمایت از افراد در برابر بی‌عدالتی و حفظ آثار خاص و نهادهای عمومی را از اهداف حکومت برشمرده‌اند. از نظر جان بورگس پژوهشگر سیاسی آمریکا، هدف اولیه حکومت؛ حفظ صلح، نظم، امنیت و عدالت در جامعه است که می‌طلبد رژیم حقوقی برای تعیین و حمایت از حقوق فردی و ایجاد قلمرو آزادی فردی به وجود آید. هدف دوم، رفاه عمومی و هدف نهایی، اعتدالی تمدن بشری است (عالم ۱۳۷۴: ۲۳۹). اهداف حکومت به؛ مقدار رشد سیاسی جامعه و درجه تمدن آن ارتباط دارد. از نظر پنوک^۱ هدف اصلی دولت نو عبارت است از تأمین امنیت، عدالت، آزادی و رفاه (همان: ۲۴۰) اما با رشد دموکراسی و ارزش‌های دولت رفاه، هدف حکومت به این سو گرایش می‌یابد که آنچه در اهداف حکومت مهم است آن است که آرمان‌های مردم را فراهم کند. رالز معتقد است که از منظر تاریخی، مضمون مشترک ایده لیبرال این است که حکومت باید بکوشد نسبت به خیر و رستگاری بی‌طرف باشد (Rawls, 1996: 190).

نظریه قرارداد اجتماعی^۲ زیربنای تأسیس دولت در نظام‌های لیبرال دموکراسی است، عاملی که حکومت را به وجود می‌آورد؛ تأمین امنیت و جلوگیری از بی‌نظمی است که هدف اولیه برای تأسیس حکومت است. برای نیل به این هدف، افراد جامعه، آزادی، دارایی و برابری خود را قربانی می‌کنند تا امنیت و نظم به وجود آید. پس از به وجود آمدن امنیت و رفاه مادی، رشد و توسعه اقتصادی مورد خواست جامعه قرار می‌گیرد، اما کمبود منابع، خودخواهی، زیاده‌طلبی و سودجویی انسان باعث تضاد منافع در جامعه شده و به دنبال برابری و عدالت می‌روند. وجود

1. pennouk

2. social contract

دولت به همراه ایجاد تشکیلات حقوقی، قوانین اداری و آداب محدودکننده، باعث می‌شود استقلال فردی و آزادی افراد مخدوش شود، به این دلیل به سوی کاهش فشارهای حکومتی و تأمین آزادی حداکثر می‌روند. دولت در امور اقتصادی نقش نظارتی دارد و ناظر بر اجرای قوانین است. برخی ادله اندیشمندان لیبرال برای بی طرفی دولت چنین است:

۱. حکومت حق یا تکلیفی نسبت به اهداف ارزشی و معنوی ندارد. مقایسه ارزشی برداشت‌های مختلف افراد از کمال‌خواهی که سازگار با اصول عدالت هستند، لازم نیست، لذا افراد، آزادی برابر برای پیگیری برنامه‌های زندگی دلخواه خود دارند (Rawls, 1996: 137)؛

۲. دولتی که یک مفهوم از کمال را بر مفاهیم دیگر ترجیح می‌دهد، نمی‌تواند با همه شهروندان به عنوان انسان‌های برابر رفتار کند (ساندل، ۱۳۷۴: ۱۰۷)؛

۳. تفکیک حق و تکلیف: هر تکلیفی یا تکلیف ناشی از حق است یعنی؛ یک قانون‌گذاری خارجی (بیرونی) برای آن ممکن است و یا تکلیف ناشی از فضیلت است که چنین چیزی برای آن ممکن نیست. نوع دوم نمی‌تواند تابع قانون‌گذاری خارجی باشد، زیرا؛ در پی غایتی است که این غایت (یا داشتن آن) خود یک تکلیف است. اما کسی نمی‌تواند از طریق قانون‌گذاری خارجی برای خود غایت تعیین کند زیرا این عمل یک فعل درونی نفس است (کانت، ۱۳۸۳: ۷۶). از این رو؛ حق بر خیر تقدم دارد.

۷. هدفمندی حکومت در اسلام (آموزه‌های مهدوی)

از بررسی متون و نصوص اسلامی مهدویت به عنوان مدینه فاضله اسلامی، در قرآن و روایات به دست می‌آید که حکومت مهدوی، گرایش به خیر و کمال‌خواهی دارد. هدف اصلی حکومت مهدوی، عبودیت الهی و ترویج اخلاق و معنویت در جهت قرب الهی است. توجه به رفاه، سلامت، امنیت و عدالت امری اصیل و برای سوق دادن جامعه به سوی کمال است. در این بخش ابتدا به اهداف مادی و آبادانی دنیوی و سپس هدف اصلی حکومت مهدوی یعنی؛ دعوت به توحید و عبودیت الهی پرداخته می‌شود.

الف) رفاه و پیشرفت اقتصادی در حکومت مهدوی

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که توجه به دنیا و آخرت را مورد تأیید قرار می‌دهد و به هر دو به عنوان زندگی اصیل می‌نگرد:

با آن چیزی که خدا به تو عطا کرده (اموال و ثروت) در تحصیل آخرت بکوش و بهره‌ات را از دنیا فراموش نکن (قصص: ۷۷).

در این آیه زندگی دنیوی در کنار زندگی اخروی به رسمیت شناخته شده است و همچنین برتری حیات اخروی مورد توجه قرار گرفته است. در آیه‌ای دیگر چنین می‌خوانیم:

مردانی که هیچ کسب و تجارتي، آنان را از یاد خدا و برپایی نماز و ادای زکات به غفلت نمی‌اندازد و آنان از روزی که دل‌ها و دیده‌ها در آن اضطراب دارند، می‌ترسند (نور: ۳۷).

یعنی مردان الهی کسانی هستند که زندگی معنوی را در کنار زندگی دنیوی اهمیت می‌دهند. تجارت و کسب در آیه مذکور کنایه از زندگی مادی - دنیوی است. «او خدایی است که همه آنچه در زمین است برای شما (انسان) خلق کرده است» (بقره: ۲۹).

نویسنده تفسیر مجمع البیان می‌گوید:

معنای آیه آن است که زمین و آنچه در آن است به عنوان نعمت‌های خداوند متعال برای انسان آفریده شده است که یا نعمت دینی برای راهنمایی و معرفت انسان و یا نعمت دنیوی برای تمتع و بهره‌برداری مادی انسان است (طبرسی، ۱۳۵۵ ق: ۷۱).

رشیدرضا در تفسیر این آیه می‌گوید:

واژه «لکم» در این جا اشاره به آن دارد که خدا او را آفریده تا جانشین و مالک در زمین، فاعل توانا و موجود برتر در این میراث گسترده باشد (رشیدرضا، بی تا: ج ۱، ۲۴۷).

آیات دیگری با مضمون «سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ» (لقمان: ۲۰) «سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ» (حج: ۲۰) را درباره مسخر کردن زمین و آسمان برای انسان داریم. یکی از وظایف همه دولت‌ها تأمین رفاه و توسعه اقتصادی است.

در آیات و روایات فوق، آبادانی دنیا و توجه به رفاه اقتصادی را در کنار معنویت، امری اصیل می‌شمارد که الگویی برای حکومت‌های اسلامی است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام درباره نعمت‌های خداوند در دوران ظهور امام عصر علیه السلام می‌فرماید:

به درستی که اگر قائم ما قیام کند به واسطه ولایت و عدالت او، آسمان آنچه که باید بیبارد می‌بارد و زمین نیز روئیدنی‌های خود را می‌رویانند (مجلسی، ۱۴۰۴ ق: ج ۱۰، ۱۰۴).

همچنین از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است:

مردی از اهل بیت من خروج خواهد نمود و به سنت من عمل خواهد کرد و خداوند برای او از آسمان، برکاتش را فرو می‌فرستد و زمین برکاتش را خارج می‌سازد (همان: ج ۵۱، ۸۲).

در حدیثی دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

زمین گنجینه‌هایش را برای او خارج می‌سازد، روزی حال و سرمایه شما را بین مردم پخش می‌کند (همان: ج ۵۲، ۳۵۱).

در نتیجه رفاه اقتصادی و پیشرفت اقتصادی، رضایت عمومی و در نتیجه امنیت عمومی فراهم می‌گردد. از این کارکرد اقتصادی حکومت مهدوی می‌توان در جهت توسعه معنوی حکومت اسلامی بهره گرفت. در حکومت مهدوی تمتعات دنیوی و لذات جسمانی، اگرچه در چهارچوب موازین شرعی باشد، مخالفت نشده است ولی رفاه و اقتصاد مقدمه‌ای برای اهداف معنوی بزرگ‌تر و والاتر است. بدین لحاظ اسلام در تولید، توزیع و اقتصاد قوانینی دارد که باید مراعات نمود؛ برای مثال می‌توان به مخالفت با معاملات ربوی، غش در معامله، ظلم و استثمار، حرمت اعیان نجسه، موسیقی‌های حرام، خوردن شراب، حرمت قمار و موازین دینی دیگر اشاره کرد. پس در هنگام به کارگیری عقلانیت دنیوی مانند زمانی که مشغول امور معنوی است، براساس خواسته الهی عمل کرده و کنش‌های معطوف به اهداف دنیوی هم در دایرهٔ بینش توحیدی، امری ذاتاً مطلوب تلقی می‌گردد. در این صورت تفاوت اهداف حکومت مهدوی با اهداف حکومت‌های دیگر حتی در امور دنیوی هم متفاوت خواهد بود و تلاش در امور دنیوی و مادی هم به عنوان یک هدف دینی و معنوی تلقی خواهد شد که می‌تواند تصور افراد جامعه را نسبت به توسعه تغییر دهد که این تغییر نگرش در برنامه‌ریزی‌ها و اهداف توسعه در عصر غیبت مفید است. پس انسان می‌تواند زندگی مرفه با بهره‌مندی از نعمت‌های حلال داشته باشد و گناهکار نباشد بلکه عصیان ناشی از یکسری گناهان مسلم است (مطهری، ۱۳۶۱: ۱۹۴).

ب) عدالت مهدوی

اجرای عدالت در عصر ظهور و غیبت، زمینه تحقق امنیت واقعی خواهد شد. مبانی عدالت در اندیشه سیاسی غرب، براساس نظریه قرارداد اجتماعی است که با افکار اندیشمندان مثل هابز، لاک، روسو و رالز شکل گرفته است و در آن عدالت، امری تأسیسی، قراردادی و براساس توافق و رضایت شهروندان است؛ عدالت، امری فطری و نفس‌الامری نیست اما در قرآن عدالت، امری ذاتی، فطری و نفس‌الامری است و به رضایت افراد بستگی ندارد، بلکه منشأ الهی دارد.

عدالت مهدوی دارای ویژگی‌هایی است که با عدالت در لیبرالیسم تفاوت جوهری دارد:

۱. عدالت امری ذاتی و نفس‌الامری است و به جعل و قرارداد نیست (مطهری، ۱۳۶۱: ۴۵-۴۳). براساس جهان بینی اسلامی حاکمیت مطلق بر جهان از آن خداوند می‌باشد و خداوند

جهان آفرینش را به عدالت خلق کرده و از صفات مهم خداوند عدالت است. در اندیشه مهدویت عدالت تکوینی و تشریحی از سوی خداوند اقتضاء می‌کند که هم جهان آفرینش منظم و هدف‌دار باشد و هم قوانین و شریعت براساس آن تکوین طراحی شده باشد و افراد هم فطرتاً با این نظام عادلانه سازگاری داشته باشند ﴿وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ﴾ (الرحمن: ۸)، «بالعدل قامت السموات و الارض» (فیض کاشانی، ۱۳۷۷: ج ۲، ۶۳۸).

۲. عدالت مهدوی جهان شمول است. یعنی از حیث جغرافیایی، کل جهان را در بر می‌گیرد «یملأ الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً»؛ «زمین را پراز عدل و قسط می‌کند آنگاه که پراز ظلم و جور شده است» (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۱، ۳۳۸، ۳۴۱ و ۵۲۶). این روایت بیش از صد بار در کتب روایی ذکر شده است.

۳. جامعیت عدالت مهدوی از حیث دامنه، سطوح و ابعاد آن که شامل عدالت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و قضایی می‌شود.

بر طبق آموزه‌های قرآن و روایات، عدالت مهدوی همه‌جانبه است و سطوح مختلف را در بر می‌گیرد که ما در این جا صرفاً به برخی موارد اشاره می‌کنیم:

الف) عدالت سیاسی - عدالت سیاسی مشارکت مردم در حکومت، آزادی، گزینش کارگزاران شایسته، امنیت در ابعاد گوناگون، نظارت بر کارگزاران حکومتی و نظایر آن است. در احادیث مهدویت به رضایت‌مندی افراد و نهادها از روش حکومت مهدوی پرداخته شده است (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۱، ۸۱) و همچنین گزینش کارگزاران شایسته و گماشتن آنها در نقاط مختلف جهان در این راستا می‌باشد (نعمانی، بی تا: باب ۲۱، ۴۴۳).

ب) عدالت اجتماعی - عدالت در ایجاد ساختارها و نهادها، مناصب اجتماعی، ایجاد برابری و مساوات بین طبقات و افراد مختلف، قانون‌مندی، اعطای حقوق افراد و سایر ابعاد اجتماعی عدالت در روایات مشاهده می‌شود. در حدیثی که جهات گوناگون عدالت را بیان می‌کند امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

إذا قام القائم حکم بالعدل و ارتفع فی ایامه الجور و آمنت به السبل و اخرجت الارض برکاتها و ورد کل حق الی اهله (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۳۸)؛

وقتی که قائم قیام می‌کند داور را براساس عدالت قرار می‌دهد و ظلم و جور در دوران او برچیده می‌شود و راه‌ها امن می‌شود و زمین برکاتش را خارج می‌سازد و حق هر کس را به او برمی‌گرداند.

ج) عدالت اقتصادی - عدالت مهدوی در امور اقتصادی در ایجاد توسعه متوازن، عدالت توزیعی در ثروت، امکانات، عمران و آبادانی زمین، مقابله با استکبار و تکاثر، استحصال زمین‌های غصب شده، از بین بردن فقر و بیکاری، مشارکت اقتصادی مردم می‌باشد. در حکومت مهدوی، اموال عادلانه توزیع می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۱، ۶۸). و مردم هم از تقسیم اموال و عدالت اقتصادی رضایت دارند (همان: ۸۴). در عصر ظهور «اموال و امکانات به شکلی تقسیم خواهند شد که دیگر نیازمندی به زکات دیده نخواهد شد» (همان: ج ۵۲، ۳۹۰). یعنی اقتصاد اخلاق محور و معنویت‌گرا می‌شود.

د) عدالت فرهنگی - در حکومت مهدوی عدالت فرهنگی در ابعاد عزت و کرامت مردم، توجه به فرهنگ و معنویت در کنار رفاه مادی، گفت‌وگو، احیای ارزش‌های دینی فراموش شده، ایجاد اعتدال روحی و آرامش روانی، رضایت‌مندی، توزیع عادلانه اطلاعات، عدالت در نهادهای فرهنگی - آموزشی و بسیاری امور دیگر قابل توضیح است. حضرت مهدی علیه السلام با بدعت‌ها و گمراهی‌ها مقابله می‌کند (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۱، ۴۱۲). با ارتکاب محرمات برخورد می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۲، ۳۵۱). دین را ظاهر می‌کند و با مصادیق بدعت و باطل مقابله می‌نماید و آموزش همگانی شده و زنان در خانه به کتاب و سنت آگاهی دارند (نعمانی، بی تا: باب ۱۳، ۳۳۷، ج ۳). درباره رشد علم در دوران ظهور، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: علم ۲۷ قسم است که مردم تنها به دو جزء آن پی برده‌اند و در زمان ظهور قائم ۲۵ جزء دیگر به وسیله او به دست می‌آید (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۲، ۳۳۶).

ه) عدالت قضایی - در حکومت حضرت مهدی علیه السلام مجرمین محاکمه و به صورت عادلانه با آنان رفتار می‌شود و عدالت در مناسبات حقوقی - قضایی اجراء می‌شود. در روایات از گماشتن قضات و کارگزاران در مکان‌های دور و نزدیک یاد شده است (نعمانی، بی تا: باب ۲۱، ۴۴۳). امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

إذا قام قائم آل محمد حکم بین الناس بحکم داود لایحتاج الی بینة یلهمه الله تعالی فی حکم بعلمه و یخبر کل قوم بما استنبطوه (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۲، ۳۳۹، ۸۶):
زمانی که قائم قیام کند در میان مردم به حکم داود قضاوت می‌کند، او به بینة و شاهدی نیاز ندارد زیرا خداوند تعالی امور را به وی الهام می‌کند و او با علم خود داوری می‌کند و هر گروهی را به آنچه پنهان کرده‌اند آگاه می‌سازد.

عدالت در لیبرال دموکراسی، به معنای عدالت توزیعی و احراز مناصب و موقعیت‌های

اجتماعی است اما در اسلام عدالت امری فطری و تکوینی است، جهان آفرینش به عدالت سرشته شده است. خداوند از طریق قرآن و شریعت به عدالت حکم کرده که باید آن قوانین را کشف و اجرا کرد و این امر به رضایت افراد بستگی ندارد.

ج) امنیت مهدوی

یکی از کارویژه‌های همه حکومت‌ها، تأمین نظم و امنیت است. بر طبق آیات قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام امنیت و دفاع، از جهات مختلف و در سطح جهانی در حکومت مهدی موعود علیه‌السلام تأمین می‌شود و امنیت‌افزایی مهدوی الگو و اسوه‌ای برای توسعه در عصر غیبت است. در فرهنگ اسلامی متخذ از آیات و روایات، امنیت و دفاع از ابتدایی‌ترین و کلیدی‌ترین موضوعاتی است که مورد توجه قرار گرفته است؛ زیرا در جامعه امن، زمینه توسعه و پیشرفت فراهم می‌شود و از این جهت در اندیشه مهدویت به عنوان يك اصل ثابت و بنیادی جایگاه رفیعی دارد.

در قرآن کریم کلمه امنیت و مشتقات آن بیش از ۹۰۰ بار به کار برده شده است که برای پی بردن به اهمیت آن به چند آیه اشاره می‌کنیم: «وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ... وَلَيَبْدِلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» (نور: ۵۵). در این آیه شریفه مهم‌ترین کارکرد حکومت مهدوی را برقراری امنیت فراگیر می‌داند که در سایه آن عبودیت فراهم می‌شود و خداوند وعده داده است که مؤمنان را حاکم بر زمین قرار می‌دهد تا دین او را در زمین اجراء کنند و در سایه این نصب الهی حضرت مهدی علیه‌السلام امنیتی به وجود می‌آید که خداوند را عبادت می‌کنند. امام مهدی علیه‌السلام هم می‌فرماید:

به درستی که من مایه امان اهل زمین هستم. هم‌چنان‌که ستارگان مایه امنیت اهل آسمان هستند (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۷۸، ۳۸۰).

بر طبق روایات، جهان در آستانه ظهور دچار انواع مختلف فتنه‌ها و آشوب‌ها می‌شود. خداوند به وسیله حضرت مهدی علیه‌السلام گرفتاری و مشکلات را از مردم و جامعه بر طرف می‌کند. از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این زمینه نقل شده:

طوبی لمن أدرك زمانه، و به یفرج الله عن الأمة (طوسی، ۱۴۲۵: ۱۸۷)؛

خوش به حال کسانی که زمان ظهور مهدی را درک کنند خداوند به وسیله مهدی از امت رفع گرفتاری می‌کند.

و به وسیله او دروغ‌گویی و روح ستیزه‌جویی و درندگی را از مردم بر طرف می‌کند. «به یمحق الله الکذب، و یذهب الزمان الکل، و به یخرج ذل الرق من أعناقکم» (همان: ۱۸۵) و «یمحو الله به البدع کلها و یمیت به الفتن کلها یفتح الله به باب حق و یغلق به کل باب باطل...» (سیدین طاووس، ۱۳۷۰: ۱۳۳). در این صورت زمینه‌ای برای ناامنی وجود ندارد. امروزه حکومت‌ها با دستگاه پلیسی و نظارت بیرونی، امنیت ایجاد می‌کنند ولی چنان‌که از روایات برمی‌آید، حضرت مهدی علیه السلام زمینه‌های شکل‌گیری ناامنی را می‌خشکاند و با ایجاد عدالت، مردم هم با رضایت قلبی به تحقق امنیت کمک می‌کنند.

د) آزادی

در نظریه قرارداد اجتماعی که زیربنای تأسیس دولت در نظام‌های لیبرال دموکراسی است، عاملی که حکومت را به وجود می‌آورد؛ تأمین امنیت و جلوگیری از بی‌نظمی است. برای نیل به این هدف، انسان‌ها آزادی، دارایی و برابری خود را قربانی می‌کنند تا امنیت و نظم به وجود آید. پس از به وجود آمدن امنیت و رفاه مادی، رشد و توسعه اقتصادی مورد خواست جامعه قرار می‌گیرد، اما کمبود منابع، خودخواهی، زیاده‌طلبی و سودجویی انسان، باعث تضاد منافع در جامعه شده و به دنبال برابری و عدالت می‌روند.

آزادی در حکومت مهدوی با آزادی در حکومت‌های دیگر تفاوت جوهری دارد زیرا سایر حاکمان همواره به دنبال محدود کردن آزادی افراد هستند و انسان باید با حق حاکمیت خود با خودسری حاکمان مقابله کنند، اما اساساً دولت مهدوی زمینه‌های بروز و ظهور استعدادها را در پرتو آزادی و اختیار فراهم می‌سازد و با هدف آزادی انسان از بردگی ظالمان، می‌آید زمانی که همه اشکال حکومت‌ها بر مردم حکومت کرده‌اند و مردم از همه آنها خسته و ناامید شده‌اند و با خواست و رضایت عمومی می‌آید (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ب ۳۴، ۶). تأسیس دولت مهدوی در گرو بسط و گسترش آزادی انسان است یعنی؛ انسان با انتخاب خود در راه تأسیس دولت صالح مهدوی گام برمی‌دارد. براساس روایات مهدویت، در زمان ظهور، خداوند، نعمت‌های خود را آشکار می‌کند که یکی از مهم‌ترین این نعمت‌ها، بسط آزادی و اختیار است (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۳۷).

آزادی در این‌جا، هم آزادی سیاسی از حاکمان ظالم، آزادی از عبودیت غیرخدا و هم آزادی معنوی در پاکسازی وجود انسان از کبر و غرور و شهوت است. و به طور کلی رذائل اخلاقی و رشد معنویت و فضائل اخلاقی که راه را برای عبودیت خداوند همراه می‌کند.

هـ) تربیت روحی و معنوی در جهت عبودیت الهی

حکومت‌های لیبرال به امور اخلاقی و ترویج فضایل اخلاقی توجه نمی‌کنند و آن را به حوزه خصوصی افراد ارجاع می‌دهند. آموزش و پرورش یکی از اهداف دولت نیست بلکه وسیله‌ای برای تحقق اهداف دیگر دولت است.

در اندیشه اسلامی و آموزه‌های مهدوی مهدویت و در سیره پیامبر و امامان معصوم علیهم‌السلام از وظایف حکومت، آن بوده است که به تربیت روحی و اخلاقی افراد همت بیشتری داشتند تا فرد، در نهان و در تنهایی خویش امنیت خود و جامعه را نادیده نگیرد. در روایات مهدویت، به جوانب درونی و اخلاقی توجه خاص شده است. از مصادیق علم و معرفت آنان شناخت توحید است. از این جهت زراره می‌گوید امام صادق علیه‌السلام به من فرمود:

اگر زمان غیبت را درک کردی این دعا را بخوان: «خدایا! خودت را به من بشناسان، که اگر خود را به من نشناسانی، پیامبرت را نمی‌شناسم. خدایا! رسولت را به من بشناسان، که اگر رسولت را به من نشناسانی، حجت تو را نمی‌شناسم. خدایا! حجتت را به من بشناسان، که اگر حجت خود را به من نشناسانی، از دین خود گمراه می‌شوم» (کلینی، ۱۳۶۷: ج ۱، ۳۳۸).

در وصف یاران ولی عصر علیه‌السلام می‌گویند:

آنان خداوند را به حق توحیدش عبادت می‌کنند (حائری یزدی، ۱۴۲۲ق: ج ۲، ۱۶۵).

در روایات، از این ویژگی یاران آن حضرت به صراحت یاد شده و آنان را به عنوان مؤمنان حقیقی مورد ستایش قرار می‌دهد. امام باقر علیه‌السلام در وصف آنها می‌فرماید: بدانید که آنها مؤمنان حقیقی‌اند (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۶۵).

و همین ویژگی موجب شده تا از آنان به عنوان موحدان واقعی که به حق توحید رسیده‌اند یاد شود. «فهم الذین وحدوا الله تعالی حق توحیده» (حائری یزدی، ۱۴۲۲ق: ج ۲، ۱۶۵). امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌فرماید:

حضرت قائم در هنگام بیعت مردم با او، با شروطی از آنها بیعت می‌گیرد: «قائم از اصحابش بیعت می‌گیرد که دزدی و زنا نکنند، به کسی دشنام ندهند، خون حرامی را نریزند، آبروی افراد را محترم شمرند، به خانه کسی حمله نکنند، کسی را به ناحق کتک زنند، طلا و نقره، گندم و جو ذخیره نکنند، مال یتیم نخورند، به چیزی که نمی‌دانند گواهی ندهند، مسجدی را ویران نکنند، مشروبات الکلی نخورند، جامه حریر و ابریشم نپوشند، کمر بند زرین نبندند، راهزنی نکنند، راه‌ها را ناامن نکنند، همجنس‌بازی نکنند،

مواد خوراکی مثل گندم و جو را احتکار نکنند، به مقدار کم خوشنود باشند، عطر بزنند، از پلیدی‌ها دوری کنند، مردم را به کارهای خوب فرمان دهند، دیگران را از زشتی‌ها بازدارند... در راه خدا آن‌گونه که شایسته است جهاد کنند» (صافی، ۱۴۱۹ق: ۴۶۹).

یکی از ویژگی‌های یاران امام مهدی علیه السلام ذکر خدا، عبادت و بندگی، شب زنده‌داری، تضرع در پیشگاه الهی، نماز و روزه، تلاوت قرآن، عدم دلبستگی به دنیا و امورمادی که معرّف معنویت و بنیه معنوی یاران امام مهدی علیه السلام است. در وصف آنها گفته شده: «مُجِدُّونَ فِی طَاعَتِهِ» (فیض کاشانی، ۱۳۷۱: ۲۶۵). آنان در اطاعت خدا بسیار سخت‌کوشند. همچنین در وصف آنها گفته شده: «آنان مردانی هستند که شب‌ها نمی‌خوابند و زمزمه نمازشان چون نغمه زنبورها از کندو به گوش می‌رسد. شب‌ها را با شب زنده‌داری سپری می‌کنند و در روز همانند شیرند» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۲، ۳۰۸) و «در دل شب، از خوف و خشیت خداوند ناله‌هایی همچون ناله مادران داغ‌دیده دارند. آنها شب زنده‌داران در دل شب و روزه‌داران در طول روزند» (حائری یزدی، ۱۴۲۲ق: ج ۲، ۱۵۶).

یکی دیگر از ویژگی‌های یاران امام مهدی علیه السلام تقوا و طهارت نفسانی آنان است. امام حسن عسکری علیه السلام با توجه به این ویژگی در وصف یاران امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: خداوند آنها را با پاکیزگی سرشته و پاکیزه نموده است؛ دل‌های‌شان را از آلودگی نفاق پیراسته، قلب‌های‌شان از تیرگی اختلاف پاکیزه نموده،... آنان به آئین حق گرویده و در راه اهل حق گام برمی‌دارند (صدوق، ۱۳۵۹: ج ۲، ۴۴۹).

بنابراین آنان در مسیر پاکی و تقوا گام برمی‌دارند.

براساس متون اسلامی، مهم‌ترین هدف حکومت اسلامی، تربیت انسان در جهت تعالی و قرب الهی است. هدف آن است که انسان طوری تربیت شود تا احکام شریعت را اجرا نماید، به فضائل اخلاقی وارسته شود و اعتقادات و باورهای توحیدی داشته باشد. هدف اصلی حکومت مهدوی احیای توحید است تا انسان بتواند به مقام قرب الهی برسد. حکومت مهدوی موظف است بسترها و زمینه‌های لازم را برای پیشرفت استعدادها و معنوی افراد فراهم نماید.

نتیجه‌گیری

یکی از مباحث مهم دانشمندان علوم سیاسی تعیین هدفمندی و بی‌طرفی حکومت است. اگرچه اندیشمندان سیاسی در این زمینه، دیدگاه‌های متفاوتی دارند ولی معمولاً اهداف چهارگانه؛ نظم و امنیت، رفاه و اقتصاد، عدالت و آزادی را ذکر کرده‌اند و در تلقی لیبرالیسم

بی‌طرفی حکومت در امور خیر مورد اتفاق است. در این مقاله، اهداف حکومت جهانی امام عصر^{علیه السلام} را در این امور با آموزه‌های قرآن و روایات بررسی شد و به این نتایج، رهنمون شد: براساس آموزه‌های مهدویت متخذ از آیات و روایات، حکومت مهدوی حتی در اهداف دنیوی و مادی حکومت هم از حیث تفسیر و نوع تبیین اهداف مادی با حکومت‌های مدرن متفاوت است. این حکومت در اهداف مادی، دارای ارزش‌ها، اصول و معیارهایی است که منحصر است. زندگی دنیوی امری اصیل و واقعی بوده و تلاش در آبادانی آن مورد تأکید دین (قرآن و روایات) است و جهت الهی دارد.

حکومت‌های اسلامی در دوره غیبت، باید از تلاش‌های حکومت مهدوی در جهت آبادانی جهان در توسعه و نوسازی جوامع خود الگو بگیرند و معیارها و ارزش‌های دینی را در اهداف توسعه مورد توجه قرار دهند.

حکومت مهدوی از حیث اهداف معنوی، ویژگی‌های خاصی دارد و آن هم تربیت روحی و معنوی افراد و تعلیم و تربیت آنان در جهت رسیدن به مقام عبودیت، قرب الهی و توحید است و در برنامه‌ریزی‌های کلان توسعه خود به آموزش و پرورش و برنامه‌ریزی فرهنگی هم توجه می‌کند، امری که برتر از اهداف مادی و دنیایی است، در حکومت‌های لیبرال دموکراسی توجه به خیر و کمال، به حوزه خصوصی افراد سوق می‌یابد.

حکومت مهدوی، اهداف معنوی و دینی دارد و هدف اصلی آن تربیت انسان و تکامل روحی و معنوی او برای عبودیت و معرفت الهی است.

منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین (۱۳۸۵)، *علل الشرایع*، قم: داوری.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین (۱۳۹۵ق)، *کمال‌الدین و تمام‌النعمة*، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۹۸)، *الملاحم و الفتن فی ظهور الغیب المنتظر*، قم: نشر رضی.
۴. آشوری، داریوش (۱۳۸۷)، *دانشنامه سیاسی*، تهران: نشر مروارید.
۵. بشیریه، حسین (۱۳۷۹)، *لیبرالیسم و محافظه‌کاری*، تهران: نشر نی.
۶. بشیریه، حسین (۱۳۸۴)، *جامعه‌شناسی سیاسی*، تهران: نشر نی.
۷. بازارگاد، بهاء‌الدین (۱۳۶۶)، *تاریخ فلسفه سیاسی*، تهران: زوّار.

۸. پهلوان، چنگیز (۱۳۷۹)، *نظریه دولت در ایران*، ان.کی.اس. لمتون، تهران: نشر کیو.
۹. جمعی از نویسندگان (زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی) (۱۳۸۰)، *تفسیر نمونه*، قم: دارالکتب الإسلامیه.
۱۰. حائری یزدی، علی (۱۴۲۲ق)، *إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب*، تحقیق: علی عاشور، بیروت: مؤسسة الأعلمی.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، *وسائل الشیعة*، قم: آل البيت علیهم السلام.
۱۲. رشیدرضا، محمد (بی تا)، *تفسیر المنار*، بیروت: دارالمعرفة، دوم.
۱۳. رنی، آستین (۱۳۷۴)، *حکومت؛ آشنایی با علم سیاست*، ترجمه: لیلا سازگار، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۴. زمخشری، جارالله (بی تا)، *تفسیر کشاف*، بیروت: دارالکتب العربی.
۱۵. ساندل، مایکل (۱۳۷۴)، *لیبرالیسم و منتقدان آن*، ترجمه: احمد تدین، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۶. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۸۵)، *اصالت مهدویت*، قم: انتشارات حضرت معصومه علیها السلام.
۱۷. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۱۹ق)، *منتخب الاثر*، قم: مؤسسه سیده المعصومه علیها السلام.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۵۵ق)، *مجمع البیان*، صیدا: مکتبه العرفان.
۱۹. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق)، *الغیبه*، قم: دارالمعارف الإسلامیه.
۲۰. عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۴)، *بنیادهای علم سیاست*، تهران: نشر نی.
۲۱. فیض کاشانی، محمد محسن (۱۳۷۱)، *نوادراخبار فیما يتعلق بأصول الدین*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۲. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۳۷۷)، *تفسیر صافی*، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۲۳. کانت، ایمانوئل (۱۳۸۳)، *فلسفه حقوق*، ترجمه: منوچهر صانعی دره بیدی، تهران: انتشارات نقش و نگار، دوم.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۷)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۲۵. لاک، جان (۱۳۷۷)، *نامه‌ای در باب تساهل*، ترجمه: شیرزاد گلشاهی، تهران: نشر نی.
۲۶. لسناف، مایکل ایچ (۱۳۸۷)، *فلسوفان سیاسی قرن بیستم*، ترجمه: خشایار دیهیمی، تهران: نشر ماهی.
۲۷. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسة الوفاء.

۲۸. مطهری، مرتضی (۱۳۶۱)، *سیری در نهج البلاغه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۹. مطهری، مرتضی (۱۳۶۱)، *فطرت*، تهران: انجمن اسلامی مدرسه عالی ساختمان.
۳۰. مطهری، مرتضی (۱۳۹۲)، *مجموعه آثار*، تهران: انتشارات صدرا.
۳۱. مهدوی زادگان، داود (۱۳۹۴)، «امام خمینی و فلسفه سیاسی انتظار»، *فصل نامه سیاست متعالیه*، سال سوم، ش ۱۱.
۳۲. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیبه*، تهران: مکتبه الصدوق.
۳۳. وبر، ماکس (۱۳۷۱)، *اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری*، ترجمه: عبدالمعبود انصاری، تهران: سمت.
34. Waldron, Jeremy, *legislathon and moral neutrality, in liberal rights, collected*, new York, Cambridge university press, 1993.
35. Rawls, John, *Political Liberalism*, New York: Columbia University Press, 1996.
36. Rawls, John, *A Theory of Justice*, Cambridge, Mass: Belknap Press of Harvard University Press, 1971.

